



ناگفته‌های نگهبان مجسمه شاه
در سال ۵۷

دکودیم



فاطمه شوشتری - در دستگاه پهلوی همه جور آدم پیدا می‌شد. تلفیقی از وطن فروش و وطن پرست. خادم و خائن. بی وجدان و با وجدان. آدم‌هایی که در آخرین سال رژیم پهلوی، خصوصاً یک ماه آخر، داتشان بیش از پیش رو شد. در همین روزها بود که مشخص شد برخی از رجال پهلوی بویی از مردانگی نبرده‌اند، اما در مقابل، بعضی چهره‌ها هم بودند که انگار واقعا سر سفره پدر و مادر بزرگ شده بودند. همان‌هایی که حاضر نشدند برای بلند کردن جسم بی‌رمق رژیم از کف رینگ، دستشان به خون انسانی آلوده شود. عبدالوهاب براتی، یکی از همین افراد بود که با وجود نظامی بودن و کار نگهبانی از مجسمه شاه، حتی در دی و بهمن ماه، یعنی روزهای شلوغ مشهد هم به کسی آسیب نزد؛ جز یک مورد که منجر به شکستن شیشه موتور معترضی شد. او تمام آن روزها در کوران حوادث حضور داشت و شاهد و شنونده اتفاقات مختلف سال ۵۷ بود. از شکنجه انقلابی‌ها در ساختمان ساواک گرفته تا ترور «شهیر مطلق»، فرمانده لشکر ۷۷ خراسان، توسط یکی از سربازان و خوشحالی مردم از پیوستن ارتشی‌ها به مردم؛ اتفاقاتی که شهرآرامجله هم‌زمان با چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با «عبدالوهاب براتی» به سراغش رفته است. توضیحات براتی یادآور روزهای پرتلاطم سال ۵۷ و هوای انقلاب است.

تجمعات از چهارراه شهدا به میدان تقی آباد، خیابان کوهسنگی و بهار با آنچه مردم خواستار آن بودند آشنا می‌شود. هم‌زمان فرمان امام (ره) برای فرار از پادگان‌ها به گوشش می‌خورد؛ فرمانی که او را به خانه آیتا... قمی در کوچه حمام شاه می‌کشد تا تکلیف را از او جویا شود که به عنوان یک نظامی وظیفه‌اش چیست؟ دیداری که نتیجه‌اش ماندن او در لشکر و اطلاع‌رسانی از وقایع داخل به انقلابی‌های درجه یک و خانه آیتا... می‌شود. براتی بعد از این مشورت به عنوان نگهبان مجسمه شاه به کارش در میدان تقی آباد ادامه می‌دهد. روزهای شلوغ به عنوان یک نظامی اسلحه‌اش را مقابل مردم به دست می‌گیرد: «من حتی یک تیر هم به سوی مردم شلیک نکردم، تنها چراغ یک موتور را شکستم».

او که شعارها و تجمعات مردمی علیه حکومت پهلوی را به حق می‌دانست، با پیروزی انقلاب اسلامی به مردم می‌پیوندد و می‌شود یکی از نظامی‌های قابل اعتماد برای مقابله با خرابکارها. همین پیشینه هم او را بعدها برای دفاع از کشور به جبهه می‌کشاند و حضور هفت ساله‌اش در میدان جنگ گویای همه چیز است.

با حکومت نظامی مشهد مأمور منع تردد شدیم
روز ۱۶ شهریور، عظیم‌ترین تظاهرات مردم

کوتاه از عبدالوهاب براتی
عبدالوهاب براتی، سال ۱۳۳۶ در بیر جند به دنیا آمد. در همان شهر سواد اولیه را آموخت و هم‌زمان با آغاز سربازی‌اش، بعد از شرکت در آزمون استخدامی، وارد ارتش شد و بعد از گذراندن دوماه آموزشی در تربت حیدریه، سال ۵۴ به لشکر ۷۷ مشهد منتقل شد و در این شهر با عنوان راننده کارش را آغاز کرد. مدتی بعد حکم نگهبانی گرفت و با گذشت مدت کوتاهی، به عنوان نگهبان اصلی مجسمه محمدرضا شاه در میدان تقی آباد، منسوب شد. البته از آنجایی که حوزه کاری‌اش محدوده کلانتری ۶ مشهد بود، نگهبانی از محدوده میدان تقی آباد تا میدان پارک، جاده آسیایی، خیابان کوهسنگی، منبع آب کوهسنگی هم از دیگر وظایف وی بود. محدوده بزرگی که او به همراه ۵۰ نیروی نظامی دیگر نگهبانی از آن را برعهده داشتند. با آغاز درگیری‌ها و شلوغ شدن مشهد به واسطه اعتراض‌های مردم به حکومت پهلوی، براتی مسئولیت فرمانده گروه محافظ مجسمه شاه در میدان تقی آباد را به عهده گرفت؛ سمتی که باید با ۹ نیروی در اختیار، شبانه‌روز انجامش می‌داد: «کاربلد نظامی بودم و از آنجا که چندان آگاهی از شعارهای مردم و سیاست نداشتیم، در این نگهبانی فقط کار برایم مطرح بود».

براتی به واسطه همین کار، با کشیده شدن



من حتی یک تیر هم به سوی مردم شلیک نکردم، تنها چراغ یک موتور را شکستم

